

## تاریخچه مکاتب نسوان و تأسیس لیسه عالی ملالی نزدیک به یک قرن از نهضت معارف نسوان افغانستان میگذرد



ملکه ثریا طرزی بانی نهضت مترقی زن افغان – به استقبال صدومین سال خدمات وی  
هر زمانیکه تاریخچه سواد آموزی نسوان افغانستان و آغاز نهضت زن افغان مطرح بوده است، اینقلم افتخار چنین حرکت مترقی را به ملکه «ثریا طرزی» همسر اعلیحضرت شاه امان الله، محصل استقلال افغانستان منصوب دانسته ام؛ زیرا نه تنها این خاتم برازنده و ترقی خواه در حدود صد سال قبل از امروز قدم های مثبت و آموزنده ای در راه اعتلاء و پیشرفت اجتماعی اناث کشورش برداشته است، بلکه فامیل و خانواده روشنفکر وی منجمله مادر مدبرش، «اسماء رسمیه» همسر دانشمند خبره «محمود طرزی»، پدر ژورنالیزم کشور و بنیان گزار بسی نوآوری های مترقی در افغانستان بود که با تدبیر و لیاقت تام قیود اشرافیت را شکسته و با خانواده در راه خدمت به جامعه زن افغان از هیچ مساعی ای دریغ نورزیده است.

آغاز این نوآوری در اجتماع آنوقت افغانستان را میتوان به سال ۱۳۰۰ هجری شمسی یعنی ۱۹۲۱ میلادی نسبت داد، طوریکه اولین مکتب ابتدائیه نسوان به همت ملکه «ثریا طرزی» و مادر شاه

امان الله علياحضرت «**سرور سلطان**» در شهر آرا کابل افتتاح گردید. اینهم نمونه ای از تاریخچه مربوط به اقدام به اولین مکتب نسوان «**مکتب مستورات**» که از گوگل بدست آمده است:

The progressive trends of the Amani Movement led to the creation high school, Masturat, in 1921 by Queen Soraya. Her mother, Rasmiya, served as the school's first principal. In the period of the first girl's 1921-28 over 800 females attended (Bashiri, 2002)..Masturat

ناگفته نماند که در راه خدمت به معارف در آنزمان، نه تنها زنان فامیل شاهی به شمول خانم ها و دختران «**سراجیه**» بلکه زنان مأمورین دولت هم سهم بارزی در پیشبرد امور اجتماعی زنان، منجمله خدمت در مکتب «**مستورات**» منحصیث معلم و کارکنان آن تشکیل مترقی گرفتند. البته از آغاز تحصیل دختران در مکتب نزدیک به ۱۰۰ سال میگذرد که همانا عصر شگوفان اعلیحضرت غازی امان الله خان باشد و بعد از آن عصر مترقی ورکود و وقفه چند ساله؛ افتتاح دوباره مکتب دختران اول در مکتب نرسنگ «**مستورات**» و بعداً به ساختمان دیگری نزدیک مسجد شاه دوشمشیره، به نام «**اندرابی**» صورت میگیرد. پس «**لیسه ملالی**» دقیقاً چندین سال بعد از افتتاح دوباره مکتب اناث اندرابی در سال ۱۳۲۱ هـ.ش، از آن جدا میگردد. البته قسمت دوم آن هم بعد از چندی لیسه زرغونه را در بوستان سرای کابل که عمارت نشیمن «**ملکه حلیمه**» ملقب به بوبو جان خانم امیر عبدالرحمن خان بود، تشکیل داد که آن لیسه هم قبل از ویرانی آن عمارت باشکوه برای پارک زرنگار، به ساختمان جدید قلعه فتح الله خان نقل مکان نمود.



اعضای اداری و تدریسی لیسه ملالی به حضور اعلیحضرت محمد ظاهر شاه

در مورد تاریخ اسم «**لیسه ملالی**» که به سال ۱۳۲۱ ش از مکتب اندرابی جدا گردید، در کتاب «**قصارخ ملالی**» ذکر است که در ابتدا به مکتب نسوان مسمی گردید و اولین مکتببست که در سال ۱۳۲۶-۱۹۴۷ شش شاگرد اناث بکلوریا تقدیم جامعه افغانی نمود «**چهار رسمی و دو سامع**». بعد از سقوط عصر شگوفان امانیه در اثر دسایس استعمار و فریب کاری های قشر متعصب اجتماع، یک دوران اختناق با قیود شدید در راه تحصیل و حقوق زنان در افغانستان حکمفرما گردید که برای سالهای متمادی تعلیم دختران در محدودی از فامیل ها در منزل فراهم میگردید و دروس در مکاتب دولتی خاص طبقه ذکور گردید؛ تا اینکه در ادامه عصر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه که خود به معارف علاقمندی خاص داشت، به تدریج منحيث ادامه همان اصولی که در عصر امانیه ذکر شد، قدم های جدیدی برای مکتب دخترانه «**مستورات**» که در حقیقت مادر لیسه های ملالی و زرغونه در شهر کابل باشد، برداشته شد که برای مطالعه این نهضت جدید نسوان کشور به سراغ قسمتی از خاطرات محترمه «**رقیه حبیب**» یکی از شهود عینی که خود سهم برارنده ای در آن تشکیل معارف افغانستان داشت و از همان مرجع تا مقام تعلیمات عالی ارتقاء نمود، میرویم تا روشنی اندازی مستندی در مورد اولین مکتب نسوان عصر ظاهر شاهی و چگونگی تشکیل «**لیسه عالی ملالی**» صورت گرفته باشد:

### **مکتب اندرابی، مادر ملالی یا سیمای شجاعان:**

**نقل از: قصارخ ملالی، گرد آورنده: نسرين ابوبکر گروس.**

برای من روز اول میزان ۱۳۱۹ هـ ش - ۱۹۴۰ آسمان کابل روشن و آفتاب کریمش بر کوچه اندرابی و آن عمارتی که نخستین مکتب دختران بعد از جنگ داخلی ۱۳۰۷ هـ ش در آن تأسیس شد، می تابید، اولین گام در حیات اجتماعی بود. صبح زود برای تقدیم درخواست معلمی آنجا رفتم. صحن حویلی مانند منازل طبقه پولدار آنوقت، وسیع و چند درخت سبز که بعد ها متوجه شدم که یکی درخت عناب بود که در کابل بسیار نادر به شمار میرفت و دیگر سبزه و گل نداشت. در عمارت دو طبقه، چهار سوی حویلی اطاق های درسی قرار داشت و دهلیز خردی به آنها وصل میگردید. اثاثیه صنوف بسیار ساده بود و آنطرف دهلیز اطاقی برای گرد هم آیی معلمان واقع شده بود. بالای اداره بلند ترین صنف مکتب، یعنی صنف ششم و سوی دیگر حویلی صنف چهارم قرار داشت. پس از مقرری، من درین دو صنف تدریس میکردم. مدیره مکتب یک خانم



### خانم رقيه حبيب يکى از سابقه داران در مکتب اندرابی و لیسه ملالی

فرانسوس به نام « مادام فریسه » بوده و معاونش مرحوم «ملا عبدالباقي» تعیین شده بود. (گرچه ابتدا مکتب نرس قابله در «شفاخانه مستورات» تشکیل گردید که در حدود سال ۱۳۱۳ یا ۱۳۱۴ «مکتب مستورات» هم در آنجا افتتاح شد ولی بعداً مکتب دختران به اندرابی، آنطرف دریای کابل انتقال یافت و تعداد شاگردان افزایش یافت).

در صنف ششم از جمله شاگردان، مرحومه کبرا نورزایی، بعد ها وزیر صحیه و سید بی بی واعظی «هر دو از آمران نامی لیسه ملالی بودند - ازین قلم» از نام های برجسته شاگردان آن مکتب شمرده می شدند. به قول مدیره مکتب، کبرا نورزایی از نگاه شخصیت و ذکا و پرکاری، برجستگی خاصی داشته و شاگرد ممتاز محسوب می گردید.

اداره امور تدریسی وظیفه مدیره مکتب بوده و انجام پروگرام درسی وظیفه معلمان شمرده میشد. مدیره مکتب که درجه علمی بلند در ساینس داشت صاحب شخصیت برازنده و حافظ نظم و دسپلین و در طرز اداره سخت گیر بود. نمره کامیابی هر مضمون سه و نیم نمره و پایین تر از آن ناکام شمرده میشد. مضامین تاریخ و جغرافیه از صنف چهارم و لسان خارجی از صنف هفتم آغاز می گردید. امور اداری به معاون تعلق داشت که به اساس پالیسی وزارت معارف رفتار می نمود.

وزیر معارف مرحوم سردار محمد نعیم بود و فهمیده میشد که نظر به تجربه تلخ در ختم مکاتب دخترانه عصرامانی، از احتیاط زیاد کار میگرفت و هدایات لازم میداد و معاون مکتب قدم به قدم از آن پیروی مینمود که نتیجه مثبتی در پیشبرد نهضت نسوان فراهم میگردد.

امور مالی مکتب از جانب مدیره نظارت گردیده و زیر نظر معاون اجراء میگردید. معاش معلمین ۸۰ افغانی و معاش من که معلم لسان خارجی بودم ۱۵۰ افغانی تعیین گردیده بود. آغاز دروس ساعت ۸ صبح و صنوف ابتدایی ساعت ۱۲ ظهر رخصت میشدند و درس صنوف بالا تر به ساعت ۱ بعد از ظهر خاتمه می یافت.

رخصتی سالانه برای چند سال تابستان تعیین گردیده بود ولی به نسبت مشکلات سردی هوا و گرم ساختن صنوف درسی در فصل سرما، رخصتی به زمستان تبدیل شد و مشکل رفع گردید. من بعداً از معلمی به سر معلمی ترقی نمودم که امور نظافت دختران را هم بر عهده داشتم. سال ها به همین ترتیب سپری گردید؛ تا اینکه در سال ۱۳۲۱ مکتب جدیدی در شهر نو کابل به نام «لیسه ملالی» تأسیس شد و «مکتب اندرابی» تقسیم گردید و قسمتی از شاگردان به مکتب جدید به شهر نو کابل منتقل گردیدند و چون تعداد باقی مانده در مکتب اندرابی هم انکشاف نمود، تعمیر پهلویی را به آن ملحق نمودند. درین زمان مدیره «مادام فریسه» که به شهر نو انتقال نموده بود از مکتب اندرابی که من اداره تدریسی آنرا بر عهده داشتم هم سرپرستی می نمود. به زودی خانم مرحوم استاد پرشنا به نام «مارگریتا» که آلمانی بود به عنوان مدیره و من به سمت معاونه وی مقرر گردیدیم.

موضوع مهمی که نتایج درخشان داشت چنین واقع گردید که یکروز وزیر معارف وقت مرحوم «نجیب الله تور ویانا» برای دیدن مکتب اندرابی آمد و من اظهار نمودم که تعداد و سوئه دختران روبه پیشرفت است ولی ما معلمان به همان سوئه باقی می مانیم. وی وعده نمود که درین زمینه فکری خواهد نمود، همان بود که فیصله شد تا دو معلم برای ریاضی و ادبیات دری هفته چند روزی در بعد از وقت به تدریس معلمین بپردازند، مرحوم «ملک الشعرا بیتاب» برای ادبیات دری و «چودری محمد اسمعیل خان» برای درس ریاضی تعیین گردید و اکثر معلمات به شمول اینجانب کورس ها را با جدیت تعقیب می نمودیم. در زمینه من و «حمیرا نورزایی» هردو به صفت سامع کورس های ساینس را هم در صنوف بالا تعقیب نموده و آماده اخذ بکلوریا گردیدیم و به کمک آن شامل فاکولته شدیم. «این ها اولین خانم هایی هستند که تعلیمات پوهنتون در افغانستان را آغاز نمودند- ازین قلم» پس از هشت سال من به مؤسسه نسوان « بعداً میرمنو تولنه» تبدیل شدم.

این بود مختصری از خاطرات خانم «رقیه حبیب» که خود از فارغ التحصیلان و بعد تر از اولین دختران لیسانسیه فاکولته آنزمان محسوب میگردد که در حقیقت منحصراً اولین نطق رادیو کابل،

برای دیگر همجنسان خویش پیشگام گردید. نامبرده در «میرمنو تولنه» اداره شق تدریسی را پیش برد و بعداً منحصیث وکیل در پارلمان افغانستان با محترمه «معصومه عصمتی» از شاگردان و آمران لیسه ملالی، به ولسی جرگه راه یافت.



### محترمه کبرا نورزایی مدیره لیسه ملالی و وزیر صحیه

در زمینه تاریخچه مکاتب نسوان که البته لیسه های ملالی و زرغونه بعد ها از مکتب متوسطه «اندرابی» تشکیل میگرددند و فامیل های پایتخت که از رکود تعلیمات نسوان در معارف متأثر بودند، با باز شدن دوباره دروازه تعلیم دختران شان، باوجود شرایط مشکل رفت و آمد و امکانات اقتصادی، استقبال فوق العاده ای نمودند.

لیسه ملالی که خود افتخار شاگردی آن مرکز عالی تعلیم و تربیت زنان و دختران افغانستان عزیز را داشته ام، دهه هاست که با سر بلندی تعداد زیادی اولاد فاضل و با دانشی را که از تربیت والا و معلمین دانشمند و دسپلین عالی برخوردار بوده، تقدیم جامعه نموده است.

در خاتمه باید عرض نمود که گرچه لیسه های «ملالی و زرغونه» هردو از مکتب متوسطه «اندرابی» تشکیل گردیده اند، ولی از ایجاد آنها ۱۰۰ سال سپری نمیگردد، بلکه این آغاز نهضت معارف در افغانستان و تشکیل اولین مکتب دخترانه است که ذریعه «ملکه ثریا» و در عصر شگوفان شاه امان الله غازی یعنی نزدیک به یک قرن قبل در سال ۱۹۲۱م - ۱۳۰۰ ش. بنیاد گذاشته شد. روح شان شاد.

پایان